



افزایش درجه هوا در هرات؛

گرمزده‌گی در میان دانش‌آموزان افزایش یافته است



همزمان با افزایش درجه حرارت در هرات، بیماری گرمزده‌گی در میان کودکان، به‌ویژه دانش‌آموزان این ولایت افزایش یافته و خانواده‌ها را نگران کرده است. شماری از خانواده‌ها در هرات می‌گویند که به دلیل افزایش بی‌پیشینه گرمی هوا و نبود صنوف معیاری و امکانات سرمایشی، کودکان آنان که دانش‌آموزان صنوف ابتدایی‌اند، به بیماری‌های گرمزده‌گی، خون‌دماغ، اسهال و استفراغ مبتلا شده‌اند. این خانواده‌ها تصریح می‌کنند که مکاتب در هرات بدون امکانات سرمایشی‌اند و حتی آب نوشیدنی نیز در دسترس کودکان قرار ندارد...

۳



فراخوان جهانی برای اعتراض؛

نباید از طالبان قباح‌زدایی شود

۳

حکومت همه‌شمول انتخابی یا مصلحتی؟

۶

شورای مقاومت ملی: امضای توافق نامه دوحه با طالبان اشتباه بزرگی بود

صبح ۸ کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان گفته است که امضای توافق‌نامه دوحه با طالبان که به هیچ اصول از اساسات جوامع بشری، نظم جهانی و موازین حقوقی نظام بین‌المللی باورمند نیستند، اشتباه بزرگی بود. شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان روز شنبه، ۲۱ اسد، با نشر اعلامیه‌ای نوشته که امضای توافق‌نامه دوحه سرنوشته میلیون‌ها افغان را در مسیر فاجعه‌بار و خلاف اراده جمعی‌شان قرار داده است. این شورا تصریح کرده است که این توافق‌نامه زمینه فروپاشی نظام جمهوری و «تسلط قهرآمیز و خشونت‌بار» طالبان شد. طبق اعلامیه، امضای توافق‌نامه دوحه میان امریکا و طالبان نه تنها مصلحت و منفعتی نداشت؛ بلکه باعث شد افغانستان به بستر امن بیشتر از ۲۰ «گروه تروریستی بین‌المللی و منطقه‌ای» تبدیل شود. طالبان پس از توافق دوحه و سپس به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ در پی فرار محمدشرف غنی، رئیس‌جمهور پیشین و فروپاشی ارتش به قدرت برگشتند. طالبان از آن زمان تا کنون ده‌ها فرمانی را صادر کرده‌اند که آزادی مردم به‌ویژه زنان و دختران را به‌شدت محدود کرده است.



شبکه زنان پارلمانی و رهبر افغانستان حمایت جامعه جهانی برای بهبود حقوق زنان کشور لازم است



صبح ۸ کابل: شبکه زنان پارلمانی و رهبر افغانستان در آستانه دوساله‌گی حاکمیت طالبان بر کشور، از نقض سیستماتیک حقوق اساسی زنان افغان نگرانی کرده و می‌گوید که حمایت جامعه جهانی برای بهبود حقوق زنان کشور ضروری است. این شبکه روز شنبه، ۲۱ اسد، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که پس از تسلط طالبان بر کشور، زنان افغانستان به حاشیه رانده شده‌اند. در این اعلامیه آمده است: «در دو سال گذشته، ما زنان افغانستان و جامعه جهانی شاهد یک سلسله نقض سیستماتیک حقوق اساسی زنان و دختران در افغانستان زیر سلطه طالبان بوده‌ایم. زنان افغانستان مجبور شده‌اند، تا به اجبار به انزوا و حاشیه کامل رانده شوند. اگر چنانچه که این روند ادامه پیدا کند، در آینده نزدیک، صدای هیچ زنی از افغانستان بلند نخواهد شد و دیدن و صحبت کردن با زنان در افغانستان محال خواهد بود.»

روز جهانی جوانان؛ سهام افغانستان مهاجرت و خودکشی است



مبارزه با ناامیدی؛ زنان جهان متحد شوید

قصه زنده‌گی من مانند قصه زنده‌گی هزاران دختر این سرزمین است که به پله‌های موفقیت رسیده بودند؛ اما با آمدن گروه «مزدور»...



بازسازی بزرگ‌تراز کابل - میدان وردک؛ تردد روزانه موترهای باری ممنوع شد

صبح ۸ کابل: وزارت فواید عامه طالبان اعلام کرده که به‌هدف بازسازی جاده ارغندی - بازاردرانی، این مسیر از ساعت ۶:۰۰ صبح الی ۶:۰۰ شام به‌روی موترهای باری مسدود شده است. این وزارت گفته که این تصمیم از روز شنبه، ۲۱ اسد، تا امر ثانی قابل تطبیق است. وزارت فواید عامه طالبان افزوده که یک مسیر فرعی برای رفت‌وآمد موترهای مسافربری در این مسیر ایجاد شده است. این در حالی است که طالبان چند روز پیش رفت‌وآمد موترهای مسافربری از طرف روز در گذرگاه سالنگ را نیز به‌دلیل بازسازی این مسیر ممنوع کرده‌اند. شهروندان کشور می‌گویند که این تصمیم طالبان آن را با چالش‌های زیادی در زمینه انتقال اموال‌شان روبه‌رو کرده است.





افغانستان و دو سال سلطه نامشروع

مشروعیت نظام‌های حاکم بر کشورها، یکی از کلیدی‌ترین عوامل تعیین‌کننده برای پیشرفت و پویایی آن کشورهاست. درجات مشروعیت یک‌سان نیست و بسته به میزان محبوبیت مردمی، رضایت شهروندان و مشارکت هر چه بیشتر اقشار مختلف در بدنه و ساختار قدرت، فراز و فرود پیدا می‌کند. سلطه‌ای که هیچ‌گونه مشروعیت نداشته باشد، همه فرصت‌های ترقی از کشور را می‌گیرد و همه افق‌های امید به آینده را محو می‌کند، درست به‌سان وضعیتی که هم‌اکنون در افغانستان حاکم است. با سلطه گروهی که حتا نزدیک‌ترین حامیان‌ش آماده به رسمیت شناختن و پذیرفتن آن به‌عنوان نظامی مشروع نیستند.

گروهی که از طریق جنگ و کشتار خود را بر صحنه سیاست کشور تحمیل کرده و رهبری آن به دست چند ملای ناآگاه به الزامات دولت‌داری در عصر مدرن است و ستون فقرات آن را مافیای مواد مخدر، مافیای اسلحه و مافیای وابسته به استخبارات منطقه تشکیل می‌دهد و هم‌پیمانی اصلی‌اش با القاعده، انصارالله، جندالله، لشکر طیبه، لشکر جنگجوی، سپاه صحابه و تی‌تی‌پی است، طبیعتاً اهمیت مشروعیت نظام را درک نمی‌کند و تلاشی نیز برای این کار به خرج نمی‌دهد.

بخشی از مشروعیت نظام‌ها وابسته به پاسخگویی و حساب‌دهی در برابر مردم و نیز در برابر نهادهای بین‌المللی است. حساب‌دهی برای مردم از طریق ردیف کردن چند لاف‌وگراف دروغین تحقق نمی‌یابد، بلکه از طریق مکانیسم‌های قانونی مانند پارلمان و نماینده‌گانی که صلاحیت استجواب و حساب‌رسی داشته باشند، از طریق احزابی که امکان وارد کردن فشار بر حاکمان را داشته باشند، از طریق نهادهای مدنی‌ای که توانایی نظارت بر عمل کرد دستگاه‌های اجرایی را داشته باشند و از طریق رسانه‌های آزادی که فرصت گزارش بدون سانسور واقعیت‌ها را داشته باشند، تحقق می‌یابد. بدون وجود هیچ سازوکار سنجیده برای پاسخگو ساختن مسوولان، هیچ‌گونه حساب‌دهی معنا ندارد. برای بسیاری از رهبران طالبان مشروعیت نظام حاکم اهمیتی ندارد، زیرا از پاسخگویی معاف می‌شوند و می‌توانند آزادانه‌تر به حیف‌ومیل منابع مالی و امکانات دولتی ادامه دهند، بدون آن‌که از هیچ محاسبه‌ای نگران باشند، به‌ویژه این‌که رهبرشان گفته است کسی حق انتقاد از مقام‌های این دستگاه را ندارد.

مردم اما از فقدان نظامی مشروع در افغانستان بیشترین رنج را می‌برند و بیشترین آسیب را می‌بینند. تعلق داشتن به سرزمینی که نظام حاکمش را هیچ کشوری به رسمیت نمی‌شناسد، علاوه بر احساس سرافکننده‌گی و رنج روانی سنگین آن برای هر شهروند، تبعات حقوقی فراوانی نیز دارد؛ زیرا به جز روابط مشکوک استخباراتی، هیچ‌گونه روابط خارجی مبتنی بر قواعد پذیرفته‌شده در قوانین بین‌المللی با افغانستان وجود ندارد. مردم در اثر چنین وضعیتی، برای کوچک‌ترین مشکلات‌شان، مانند بردن بیماران برای تداوی به کشورهای همسایه ناچارند هفته‌ها پشت دروازه کنسولگری‌های خارجی صف بکشند. به همین ترتیب محصلان برای ادامه تحصیل‌شان، تاجران برای واردات و صادرات‌شان و بقیه اقشار جامعه هر کدام به نحوی گرفتار مشکلات‌اند. این‌ها البته ابعاد ساده این مشکل است و اگر ابعاد دیگر را به آن بیفزاییم، مانند دستگیری‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌های صحرایی، حضور فزاینده جنگ‌جویان خارجی، نقض گسترده حقوق بشر، سرکوب رسانه‌ها، سرکوب اعتراض‌های مدنی، نبود قانون اساسی و ده‌ها مشکل بزرگ دیگر، آنگاه تصویر کامل این فاجعه که زاده حاکمیت نامشروع یک دستگاه سلطه است، به‌شکل واضح‌تری نمایان می‌شود. دو سال سلطه نامشروع، یعنی دو سال غایب از تاریخ در عصری که همه چیز به سرعت نور به پیش می‌تازد.

شش پناهجوی افغان در کانال مانش جان باختند



در همین حال، هروه برویل، وزیر امور دریایی فرانسه، گفته است که با شبکه‌های قاچاق انسان که عامل چنین رویدادها هستند، مبارزه می‌کند.

کانال مانش بین فرانسه و بریتانیا واقع شده و یکی از گذرگاه‌های عبور غیرقانونی پناهجویان به بریتانیا است.

براساس گزارش‌ها شمار پناهجویانی که در سال جاری از این کانال عبور کردند به بیش از ۱۶ هزار تن رسیده است. تنها در هفته گذشته بیش از یک هزار و ۱۰۰ تن از طریق کانال مانش وارد بریتانیا شده‌اند.

بیشتر پناهجویان شهروندان افغانستان، هند، ایران و عراق هستند.

این در حالی است که چند ماه پیش نیز بیش از ۳۰ پناهجویان افغان در پی غرق شدن یک قایق در آب‌های ایتالیا جان باختند.

۸صبح، کابل: رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که در نتیجه غرق شدن یک قایق در کانال مانش شش پناهجوی افغان جان باختند و دو تن دیگر ناپدید شده‌اند.

رویترز شنبه‌شب، ۲۱ اسد، به نقل از مقام‌های فرانسوی گزارش داده است که این قایق حدود ۶۰ سرنشین داشت که بیشتر آنان پناهجویان افغان بوده‌اند.

فرنک دهرسین، شهردار محلی فرانسه گفته است، این پناهجویان می‌خواستند که از کانال مانش وارد بریتانیا شوند.

او گفت: تعدادی از قایق‌ها با مشکلات جدی روبرو شدند، متأسفانه در نزدیکی شهر ساحلی سنگات اجساد این پناهجویان یافت شد.»

وی افزوده است که گارد ساحلی بریتانیا و فرانسه توانستند، حدود ۶۱ پناهجوی دیگر را از غرق شدن در این منطقه نجات دهند.

طالبان در بلخ یک فرمانده محلی پیشین را پس از بازداشت به قتل رساندند



روز قبل شب هنگام از داخل خانه‌اش توسط جنگ‌جویان طالب بازداشت شده بود.

به گفته منابع، با گذشت این مدت جسد سخی‌الدین رحمان روز چهارشنبه هفته گذشته زیر خاک در مرکز کشنده از سوی باشنده‌گان محل پیدا شد.

منابع می‌افزایند که این فرمانده با وجودی که پارچه عفو عمومی طالبان را با خود داشت و پس از حاکمیت این گروه شغل آزاد داشت، از سوی این گروه کشته شد.

این در حالی است که هفته گذشته یکی از فرماندهان حکومت پیشین که توسط کمیسیون تماس با شخصیت‌های گروه طالبان با پا در میانی نظام‌الدین قیصاری به کشور برگشته بود در سرپل توسط این گروه به قتل رسید.

۸صبح، بلخ: منابع محلی در بلخ از کشته شدن یک فرمانده محلی حکومت پیشین توسط طالبان در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع محلی روز شنبه، ۲۱ اسد، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که سخی‌الدین رحمان مشهور به سخا، یکی از فرماندهان محلی حکومت پیشین در ولسوالی کشنده ولایت بلخ، ۱۵

طالبان حضور ۱۶ زندانی خارجی در زندان‌های‌شان را تایید کردند



بازداشت شده‌اند، هنوز در زندان‌های این گروه به سر می‌برند.

پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر بازداشت اتباع خارجی توسط طالبان نشر شده بود.

آزادی زندانیان آمریکایی از زندان‌های طالبان یکی از موضوعاتی بود که میان توماس وست، نماینده ویژه آمریکا برای افغانستان و امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان در مورد آن در دوحه گفت‌وگو شده است.

۸صبح، کابل: اداره تنظیم امور زندان‌های تحت مدیریت طالبان می‌گوید که ۱۶ شهروند خارجی به‌شمول پنج زن در زندان‌های این گروه در افغانستان زندانی‌اند.

مقام‌های اداره تنظیم امور زندان‌های تحت مدیریت طالبان روز شنبه، ۲۱ اسد، در «برنامه حساب‌دهی دولت به ملت» این گروه گفته‌اند که دست کم ۱۶ هزار تن در زندان‌های افغانستان به سر می‌برند.

به گفته آنان، از این میان نزدیک به یک هزار آن زنان هستند.

با این حال، طالبان در مورد هویت و اتهام وارد شده بر این زندانیان خارجی معلومات آرایه نکرده‌اند.

این در حالی است که به تاریخ ۲ حمل سال روان، روزنامه دلیلی‌میل گزارش داده بود که سه شهروند بریتانیا که توسط طالبان در افغانستان

قطعه‌نامه مشترک دو جنبش اعتراضی زنان افغانستان؛ هرگونه تعامل با طالبان مردود است

۸صبح، کابل: جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان و جنبش زنان افغانستان برای برابری می‌گویند که هرگونه تعامل با طالبان مردود است و تنها راه‌حل بحران کشور زمینه‌سازی برای تشکیل یک حکومت ملی فراقومی می‌باشد.

جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان و جنبش زنان افغانستان برای برابری روز شنبه، ۲۱ اسد، با نشر قطعه‌نامه‌ای گفته‌اند که با روی کار آمدن طالبان، دستاورد چندین‌ساله در بخش‌های مختلف به‌خصوص حقوق بشر و حقوق زنان صفر شده است.

این جنبش‌ها افزوده‌اند: «ما هرگونه تعامل با طالبان را مردود دانسته و تنها راه‌حل بحران افغانستان را زمینه‌سازی برای تشکیل یک حکومت ملی فراقومی، مبتنی بر انتخابات و خواست مردم و پاسخ‌گو به مردم می‌دانیم که به قوانین بین‌المللی احترام بگذارد و با جهان تعامل مثبت داشته باشد.»

طبق قطعه‌نامه، طالبان با ملغا اعلام کردن قوانین نافذ در حکومت پیشین تا به امروز هیچ قانون را معرفی نکرده‌اند و طی این دو سال کشور در بی‌قانونی محض به سر می‌برد.

به گفته این جنبش‌ها، طالبان با روی کرد خشن علیه زنان معترض به سیاست‌های این گروه، همواره تجمعات و تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز زنان را با توسل به خشونت به هم زده‌اند.

در قطعه‌نامه آمده است: «از زمان به قدرت رسیدن طالبان تا به امروز تعداد زیادی از زنان معترض بدون اتهام به‌صورت خودسرانه توسط طالبان دستگیر، برای مدت‌زمان‌های مختلف زندانی و در نهایت در بدل ضمانت، امضای قرارداد عدم فعالیت ضد طالبان و وساطت افراد سرشناس آزاد شده‌اند.»

طالبان پس از توافق دوحه و سپس به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ در پی فرار محمداشرف غنی، رییس‌جمهور و فروپاشی ارتش به قدرت برگشتند و از آن زمان تا کنون ده‌ها فرمانی را صادر کرده‌اند که آزادی مردم به‌ویژه زنان را به‌شدت محدود کرده است.



مردی در غور یک تن را هنگام ادای نماز کشت و امام مسجد را زخمی کرد

۸صبح، غور: منابع محلی در غور می‌گویند که یک مرد در هنگام ادای نماز یک تن را در این ولایت کشته و امام مسجد را زخمی کرده است.

منابع می‌گویند که این رویداد شام روز شنبه، ۲۱ اسد، در ولسوالی تیوره ولایت غور هنگام ادای نماز شام رخ داده است.

به گفته منابع، این دو تن توسط گلوله کشته و زخمی شده‌اند. فرد کشته شده حبیب‌الله نام داشت. عامل قضیه نورآقا نام داشته و پس از تیراندازی از محل فرار کرده است.

تاکنون انگیزه این رویداد مشخص نشده است. طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه ادعای امنیت سرتاسری و جمع‌آوری سلاح‌ها از افراد غیرمسئول را در کشور دارد.

نباید از طالبان قباحتهای خود



امین کاوه

در آستانه دوساله‌گی سلطه طالبان بر کشور، دختران و زنان در شماری از شهرهای افغانستان، پاکستان و ایران، اعتراض کرده‌اند. این معترضان می‌گویند که جامعه جهانی نباید به بهانه تعامل با طالبان، از این گروه قباحتهای خود معترضان در قطع‌نامه‌های خود خواستار فشارهای گسترده‌تر بر طالبان شده‌اند. این زنان، طالبان را متهم به جنایتهای ضد بشری و آپارتاید جنسیتی کرده‌اند. آنان از جامعه جهانی به‌ویژه دادگاه کیفری بین‌المللی خواسته‌اند که پرونده‌های اتهام‌ها علیه طالبان را به‌صورت جدی بررسی کنند. معترضان در افغانستان با حضور در خیابان‌ها، با سردادن شعارهای ضد طالبانی، ۲۴ اسد ۱۴۰۰ را «روز سیاه» افغانستان نامیده‌اند. دختران و زنان معترض با صدور فراخوان جهانی اعتراض علیه طالبان، در قطع‌نامه‌شان طالبان را گروه «تروریستی، فاشیستی و تک‌جنسیتی» توصیف کرده‌اند. جنبش‌های اعتراضی زنان از افغانستان به‌عنوان صحرای بی‌قاعده و بی‌قانون نام برده‌اند که مردم در آن از شدت ناامیدی به خودکشی و فرار فکر می‌کنند.

به مناسبت دوساله‌گی تسلط طالبان بر افغانستان، شماری از دختران و زنان در کابل و تخار، در زیر حاکمیت طالبان اعتراض کرده‌اند. آنان از جامعه جهانی، سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی خواسته‌اند که به بهانه تعامل با طالبان، از این گروه قباحتهای خود معترضان نگذردند. این معترضان گفته‌اند که ادامه همکاری جهان با طالبان، بستر تروریسم بین‌المللی را تقویت می‌کند و به گروه‌های هراس‌افکن مشروعیت می‌بخشد. به گفته این معترضان، طالبان افزون بر محرومیت کامل زنان از حوزه زنده‌گی جمعی، افغانستان را به پناه‌گاه امن تروریسم جهانی تبدیل کرده‌اند.

شماری از دختران و زنان معترض در کابل که برنامه اعتراضی آنان نیمه‌تمام مانده، می‌گویند که محل تجمع آن‌ها از سوی طالبان شناسایی شده است. یکی از این معترضان با فرستادن نوار تصویری به روزنامه ۸صبح می‌گوید که آنان تحت تعقیب طالبان قرار داشتند و مجبور شدند برنامه اعتراضی خود را لغو



شماری از دختران و زنان معترض افغانستان که در ایران به سر می‌برند، نیز با شعارهای «عدالت عدالت، خسته‌ایم از جهالت» و «دست‌آورد امارت، اسارت و حقارت»، خشم و انزجارشان را نسبت به طالبان نشان داده‌اند.

را از بین برده‌اند. آنان ابراز امیدواری کرده‌اند که جامعه بین‌المللی در کنار زنان بایستد و دست از تعامل با طالبان بردارد. این جنبش‌ها می‌گویند که تشکیل دولت فراگیر، برگزاری انتخابات و رعایت قوانین بین‌المللی از خواسته‌های اساسی مردم افغانستان است.

در همین حال، شماری از دختران و زنان معترض افغانستان که در ایران به سر می‌برند، نیز با شعارهای «عدالت عدالت، خسته‌ایم از جهالت» و «دست‌آورد امارت، اسارت و حقارت»، خشم و انزجارشان را نسبت به طالبان نشان داده‌اند. آنان می‌گویند که تداوم سلطه این گروه، باعث ناامیدی و فرار بیشتر مردم از افغانستان می‌شود.

همچنان جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان سراسر جهان با صدور قطع‌نامه‌ای از شهروندان افغانستان و فعالان حقوق بشری و مدنی سایر کشورها خواسته‌اند که علیه طالبان اعتراض کنند و مانع تعامل کشورها با این گروه شوند. در فراخوان اعتراضی زنان علیه طالبان آمده است که این گروه در دو سال گذشته مرتکب «جنایتهای جنگی، جنایتهای ضد انسانی، آپارتاید جنسیتی و قومی، جابه‌جایی‌ها و کوچ‌های اجباری، نسل‌کشی، تبعیض نژادی و تروریستی‌سازی جغرافیای افغانستان» شده‌اند. براساس این قطع‌نامه، طالبان در این مدت در دادگاه‌های صحرایی دست به کشتار، سنگ‌سار و شلاق زدن زنان و مردان، زده‌اند.

کنند. افزون بر این، جنبش زنان مبارز پیش‌گام، در یک مکان سرپیسته در کابل اعتراض کرده و خواستار منع تعامل با طالبان شده‌اند.

همزمان با اعتراض زنان در کابل، شماری از دختران و زنان در ولایت تخار نیز با حضور در خیابان، علیه سیاست‌های طالبان اعتراض کرده‌اند. در نوارهای تصویری که از این معترضان منتشر شده، دیده می‌شود که برخی از مردان نیز در کنار زنان شعار می‌دهند. زنان و دختران معترض در تخار با سردادن شعارهای «مرگ بر ستم‌گر، چه طالب و چه لابی‌گر»، «هشدار هشدار، جهان فراموش کار» و «طالب جنایت می‌کند، امریکا حمایت می‌کند»، خواستار پایان دادن به حاکمیت این گروه در افغانستان شده‌اند.

از سوی دیگر، تعدادی از اعضای جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان که به دلیل تهدیدات امنیتی به کشورهای همسایه از جمله پاکستان رفته‌اند، نیز در یک نشست خبری در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، علیه طالبان اعتراض کرده‌اند. شماری از اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان و جنبش زنان افغانستان برای برابری، با شعارهای «تحصیل، کار، آزادی»، «طالبان طالبان، سرتگون سرتگون» و «طالبان را به رسمیت شناسید»، واکنش‌شان را در قبال دوساله‌گی حاکمیت رژیم طالبان نشان داده‌اند.

این جنبش‌های اعتراضی با صدور قطع‌نامه‌ای، گفته‌اند که طالبان تمام سازوکارهای قانونی و حقوقی

زنان و دختران از کشورها، سازمان ملل متحد و سایر نهادهای حقوق بشری خواسته‌اند که در بررسی پرونده جنایات جنگی طالبان در دادگاه بین‌المللی کیفری، همکاری کنند. آنان تاکید کرده‌اند که جهان باید برای طالبان ضرب‌الاجل تعیین کند که دست از رفتارهای «جنایت‌کارانه بردارند و در برابر جنایتهای خود پاسخگو باشند». در فراخوان اعتراضی زنان، تاکید شده که آنان خواستار پایان یافتن بی‌قیدوشرط حاکمیت طالبان هستند. این زنان افزوده‌اند که به تاریخ ۱۵ اگست شهروندان افغانستان در خارج و فعالان حقوق بشری کشورهای میزبان در بیشتر شهرهای امریکایی، اروپایی و آسیایی، برای هم‌نوایی و بازتاب صدای زنان و مردم افغانستان به خیابان‌ها می‌آیند و علیه سیاست‌های «زن‌ستیزانه» طالبان شعار می‌دهند.

همزمان با این، شماری از فعالان حقوق زنان نیز می‌گویند که سلطه طالبان ازدواج‌های اجباری و زیر سن را در کشور تشدید بخشیده است. به گفته آنان، طالبان از دستورهایی منع‌کننده به نفع خویش استفاده می‌کنند و در برخی از مناطق خانواده‌ها را مجبور می‌سازند که دختران‌شان را به نکاح افراد این گروه درآورند. این فعالان همچنان اضافه می‌کنند که حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی باعث انکار هویت آنان در جامعه و حتا در خانواده‌ها شده است.

پروانه ابراهیم خیل نجرابی، یکی از فعالان حقوق زن، می‌گوید که با حذف زنان، از هویت آنان به‌عنوان انسان، انکار شده است. او می‌افزاید که اعتراض زنان در دو سال گذشته، تنها برای کار و نان نبوده، بلکه آنان برای هویت زنانه‌گی و برابری رزمیده‌اند. بانو نجرابی تاکید می‌کند که اعتراض سراسری زنان و مردان در ۱۵ اگست، صدای افغانستان متکثر و نوین است و جهان باید از این صداها حمایت کند.

این در حالی است که به‌تازگی دیدبان حقوق بشر با نشر گزارشی گفته است که زنان در زیر حاکمیت طالبان به‌شدت محدود شده‌اند. براساس این گزارش، افغانستان زیر سلطه طالبان در کابوس حقوق بشر به سر می‌برد. این نهاد از طالبان خواسته که فوراً سیاست‌ها و قوانین ظالمانه خود را برطرف کنند. پیش از این، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، در گزارشی گفته است که طالبان در جریان دو سال گذشته بیش از ۵۰ فرمان محدودکننده علیه زنان صادر کرده‌اند.

گفتنی است که تمام کشورهای جهان در دو سال گذشته به‌صورت متواتر از طالبان خواسته‌اند که دولت فراگیر را تشکیل دهند و حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان را رعایت کنند. طالبان اما گفته‌اند که رژیم آن‌ها همین حالا فراگیر است و برای زنان مبتنی بر قرابت خودشان از احکام اسلامی، حق می‌دهند.

افزایش درجه هوا در هرات؛ گرماده‌گی در میان دانش‌آموزان افزایش یافته است

۸صبح، هرات



وجود ندارد. به گفته او، بیشتر صنف‌هایی که پکه دارد، برق ندارد و مهم‌تر این‌که حتا آب آشامیدنی برای کودکان در دسترس نیست. پدر فهیم می‌گوید که اگر چنین امکاناتی در اختیار طالبان نیست تا برای دانش‌آموزان فراهم کنند، دست‌کم آنان را تا کاهش یافتن درجه هوا رخصت دهند. او تصریح کرد: «فهیم جان بچه مه چند روز آمد به مادر خود می‌گفت که سردرد است و داخل صنف دو بار خون‌دماغ شده، از بس که گرمی بود. حتا آب خوردن هم در داخل صنف‌های خود ندارند. همین حالت دو سه روز گذشت. یک روز دیدیم دم صحرا در زدند که دو یا سه تا صنفی‌های فهیم جان همراهش. رنگ بچه مه زرد پریده بود. گفتم چه شده است، همان صنفی‌های او گفتند که فهیم خون‌دماغ شده و داخل صنف ضعف کرده بود. من فوراً او را داکتر بردم. داکتر گفت او را گرمی زده و اسهالش هم شدید است، باید امشب بستر باشد تا چند سیروم کار شود و به حالت عادی برگردد.»

ادامه در صفحه ۷

دارند. خدا شاهد است که از مجبوری نباشد، انسان در داخل همین صنف‌هایی که مکاتب این کودکان دارند، زنده‌گی نمی‌تواند.» او علاوه می‌کند که اندک‌ترین امکانات در مکاتب

گرمی بعضی روزها تا ۴۲ می‌رسد. این کودکان هم مجبورند به خاطری که محروم نشوند، به صنف‌های خود حاضر شوند. در صنف‌هایشان نه کولر درک دارد، نه پکه درست و حسابی و نه یک صنف معیاری

همزمان با افزایش درجه حرارت در هرات، بیماری گرماده‌گی در میان کودکان، به‌ویژه دانش‌آموزان این ولایت افزایش یافته و خانواده‌ها را نگران کرده است. شماری از خانواده‌ها در هرات می‌گویند که به دلیل افزایش بی‌پیشینه گرمی هوا و نبود صنف معیاری و امکانات سرمایشی، کودکان آنان که دانش‌آموزان صنف ابتدایی‌اند، به بیماری‌های گرماده‌گی، خون‌دماغ، اسهال و استفراغ مبتلا شده‌اند. این خانواده‌ها تصریح می‌کنند که مکاتب در هرات بدون امکانات سرمایشی‌اند و حتا آب نوشیدنی نیز در دسترس کودکان قرار ندارد. آنان از مسوولان محلی طالبان می‌خواهند که با توجه به نداشتن توانایی در فراهم کردن مکان سرد، دست‌کم چند روز محدود کودکان را رخصت دهند.

محمدامین، پدر فهیم ۱۲ ساله، می‌گوید که پسرش به دلیل گرمای شدید و نبود امکانات سرمایشی در صنف بیمار شده و حتا یک شبانه‌روز در شفاخانه بستری بوده است. او به روزنامه ۸صبح گفت: «درجه



خلیلزاد،

وکیل مدافع پرشور طالبان

شهاب

چندی قبل، ودانت پتل، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، در یک کنفرانس مطبوعاتی تصریح کرد که زلمی خلیلزاد، نماینده سابق امریکا برای افغانستان، در حال حاضر شهروند عادی امریکا است و دیدگاه‌هایش بازتاب‌دهنده سیاست‌های رسمی وزارت خارجه آن کشور نیست. با این حال، سوابق خلیلزاد کافی است تا رسانه‌ها و فعالان سیاسی افغانستان به اظهاراتش توجه نشان دهند و هر کلمه‌ای را که از زبانش بیرون می‌آید تحلیل و تجزیه کنند. خلیلزاد با وجود پایان یافتن مأموریتش در دولت امریکا، در رسانه‌ها حضور دارد و هرازگاهی دست به اظهارات جنجال‌برانگیز می‌زند. او در این روزها با رسانه‌های مختلف مصاحبه می‌کند و این مصاحبه‌ها عمدتاً حول محور عادی جلوه دادن وضعیت افغانستان در سایه حاکمیت طالبان و کم‌اهمیت نشان دادن جنایت‌ها و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در قلمرو این گروه جریان دارد، می‌چرخد. خلیلزاد در یکی از مصاحبه‌های اخیرش، از سیاستمداران افغانستان که در تبعید به سر می‌برند خواست به کشور برگردند و با طالبان گفت‌وگو کنند و با این گروه بر سر تشکیل حکومت فراگیر به توافق برسند. او از عفو عمومی طالبان سخن گفت و اطمینان داد در صورتی که رهبران سیاسی فراری به کشور برگردند، کشته نمی‌شوند. او عبدالله و کرزی، از رهبران بلندرتبه حکومت پیشین را مثال زد که در کابل زنده‌گی می‌کنند و هیچ آسیبی به آن‌ها نرسیده است. او برای تضعیف روحیه مخالفان طالبان گفت که امریکا بار دیگر به افغانستان حمله نمی‌کند و باید رهبران مخالف طالبان، خود چاره‌سنجی کنند.

در محافل سیاستمداران خارج‌نشین، هنوز هم روش مذاکره با طالبان روی میز قرار دارد و شماری از آن‌ها علاقه‌مندند از طریق گفت‌وگو با این گروه، به اهداف سیاسی خود دست یابند. کافی است اندکی نرمش در مواضع طالبان رونما شود تا این رهبران به جنب‌وجوش بیفتند و در صدد برقراری تماس با طالبان برآیند. اشکال کار ناشی از این است که طالبان هرگز حاضر به گفت‌وگو با مخالفان نیستند و در پاسخ به درخواست کشورهای خارجی مبنی بر ضرورت تشکیل حکومت فراگیر، شانه بالا می‌اندازند و حکومت خود را فراگیر می‌شمارند و نیازمند اصلاح نمی‌دانند. طالبان به هیچ صورت حاضر به مذاکره با مخالفان سیاسی خود

خلیلزاد از کرزی و عبدالله مثال

می‌زند تا مخالفان خارج‌نشین طالبان را تشویق به برگشت به کشور کند. اما واقعیت آن‌طور که خلیلزاد به نمایش می‌گذارد نیست. با آن که کرزی در نیمه دوم حکومت خود، سیاست نرمش در برابر طالبان را در پیش گرفت و از سرکوب این گروه از سوی نیروهای خارجی انتقاد و هزاران زندانی این گروه را رها کرد تا دوباره به میدان جنگ برگردند و به سفیدنمایی طالبان پرداخت و از این لحاظ، طالبان باید وی را شایسته هر نوع تکریم و ستایش بشمارند، ولی در عمل طالبان انواع محدودیت‌ها را بر وی تحمیل کرده‌اند.

تردید باقی نگذاشته است. او این سیاست را تا آخر دنبال کرد و برای سرکوب نیروهای سیاسی‌ای که مورد پسندش نبود از هیچ کاری مضایقه نکرد. سرکوب اسماعیل خان در هرات و تضعیف مارشال فهیم در کابل و تهدید عبدالله در انتخابات ۲۰۱۹، سه نمونه از مداخله او در حوادث افغانستان به سود گروه‌های خاص به‌شمار می‌آید. او با این مداخله‌ورزی‌ها، که شاید برخی از آن‌ها ربطی به سیاست دولت متبوعش نداشت، در ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی میان گروه‌های سیاسی گوناگون، سهم باری داشت. ظاهراً او اکنون نیز دوست دارد به نفع طالبان وارد عمل شود و با راه‌اندازی تبلیغات رسانه‌ای، در صدد عادی‌نمایی وضعیت افغانستان زیر سلطه طالبان است.

اخیراً زلمی خلیلزاد در مصاحبه با یکی از روزنامه‌نگاران لبنانی، به دفاع تمام‌قد از طالبان پرداخته است. خلیلزاد در پاسخ به پرسش هدی الحسینی که چه روشی برای متقاعد ساختن طالبان در جهت اجازه دادن به دختران برای آموزش مکتبی و تحصیل دانشگاهی وجود دارد، با نادیده گرفتن تمام قراین و شواهد، مدعی شده که طالبان در این مورد با هم دچار اختلافند. او تصریح کرده که «مطابق اطلاعات من، اکثریت رهبران طالبان، می‌خواهند که دختران به مکاتب و دانشگاه‌ها حضور یابند، مخصوصاً با توجه به آن که آن‌ها در جریان مذاکرات دوحه، آشکارا خود را متعهد به اعتراف به حق زنان برای کار کردن و آموزش و تحصیل دانسته‌اند. با وجود این، یک گروه افراطی در میان رهبران طالبان وجود دارد که با آموزش زنان مخالف است. تصمیم طالبان در مورد ممنوع ساختن آموزش و تحصیل زنان، حتا از سوی اکثریت رهبران طالبان، پذیرفتنی نیست.»

خلیلزاد در این جا همان کلیشه قدیمی را تکرار و طالبان را به اقلیت افراطی و اکثریت میانه‌رو تقسیم می‌کند و سخت‌گیری‌های جاری در افغانستان را ناشی از سیاست‌های اقلیت افراطی می‌شمارد. با وجود این، واقعیت را نمی‌توان برای مدت دراز انکار کرد. تصمیم‌گیری در سازمان طالبان به‌دست رهبری این گروه در قندهار است و دیگران حق ندارند چون‌وچرا کنند. رهبران حاضر در کابل، نقش چندانی در تصمیم‌سازی‌های بزرگ این گروه ندارند و اگر مخالفتی هم بکنند، مخالفت‌شان چیزی را عوض نمی‌کند. با این حال، اکثریت مطلق مقام‌های طالبان، چه در کابل و چه در قندهار، در اظهارات علنی خود، همواره به‌نحوی ممنوعیت آموزش و تحصیل دختران را توجیه کرده و صواب شمرده‌اند. این اکثریتی که خلیلزاد از آن سخن می‌زند کجا هستند؟

وقتی روزنامه‌نگار مذکور از خلیلزاد می‌پرسد که حضور داعش خراسان در افغانستان را تا چه اندازه خطرناک و جدی می‌داند، نماینده پیشین امریکا برای افغانستان، از فرصت استفاده می‌کند و کار طالبان را در سرکوب داعش می‌ستاید. او به گزارش سازمان ملل متحد استناد می‌کند که در آن ذکر شده که فعالیت داعش در افغانستان، در یکی دو سال، خطری ایجاد نمی‌کند. به گفته خلیلزاد، مطابق توافق‌نامه دوحه، طالبان متعهدند با تروریسم مبارزه کنند. به قول او، دشمن مشترک امریکا و طالبان، داعش است و آینده نشان خواهد داد که آیا سرکوب داعش از سوی طالبان، زمینه را برای همکاری‌های امنیتی گسترده‌تر میان امریکا و طالبان، مساعد خواهد کرد یا خیر.

در این جا خلیلزاد تلویحاً به همکاری امنیتی امریکا

و طالبان به‌منظور سرکوب داعش خراسان اعتراف می‌کند. با این حال، گزارش‌های متعددی وجود دارد دال بر این که حضور جنگجویان داعش خراسان در افغانستان نه‌تنها کاهش نیافته بلکه با روی کار آمدن طالبان، افزایش چشم‌گیر یافته است. گزارش تازه روزنامه هشت صبح نیز به همین موضوع تأکید می‌کند. ظاهراً طالبان به قدر کافی نیرو ندارند تا بر همه افغانستان کنترل خود را اعمال کنند و همین امر زمینه‌ساز حضور تروریست‌ها در افغانستان است. مسأله قابل ذکر دیگر این است که مطابق تعریف‌های پذیرفته‌شده از تروریسم، طالبان نیز از جمله گروه‌های تروریستی به‌شمار می‌روند و در کشتار بی‌رویه و راه‌اندازی عملیات کورکورانه علیه بی‌گناهان، بیش از هر گروه دیگری نقش داشته‌اند. در چنین حالتی، چه‌طور امکان دارد تروریسم به جنگ تروریسم برود؟

خلیلزاد در این مصاحبه، در مقام برشماری محاسن حکومت طالبان، از جلوگیری این گروه از کشت و قاچاق مواد مخدر و کاهش چشم‌گیر شمار افراد معتاد به مواد مخدر در افغانستان سخن می‌زند. همچنین از کاهش چشم‌گیر فساد اداری در این کشور و نیز از بازسازی و نظم‌دهی شهرها در حکومت طالبان یاد می‌کند. قطعاً بسیاری از این ادعاها قابل مناقشه و خدشه‌پذیر است، اما وقتی خلیلزاد دوست دارد به تطهیر طالبان بپردازد، ناگزیر است رطب و یابس را به هم بیاقد و به خورد رسانه‌ها بدهد. مثلاً، وقتی رسانه‌های مستقل در قلمرو طالبان نمی‌توانند آزادانه فعالیت کنند و طالبان بر محتوای این رسانه‌ها سانسور شدید اعمال می‌کنند، چه‌گونه شما می‌توانید از کاهش فساد در این کشور سخن بزنید؟ مطابق گفته‌های کارمندان حکومت طالبان، فساد به قدر کافی در ادارات این گروه وجود دارد، اما فضای خفقان‌آلود، اجازه نمی‌دهد این فساد در رسانه‌ها بازتاب یابد. در مورد کاهش کشت و قاچاق مواد مخدر در این کشور هم اما و اگرهای بسیاری وجود دارد. تحولی که در سال‌های اخیر رخ داده این است که افغانستان حالا قادر شده مواد مخدر صنعتی را به خارج صادر کند و کارخانه‌های شیشه‌سازی در ولایت‌های جنوبی، آزادانه فعالیت دارد. همچنین بارها مقام‌های ایرانی از تولید سرسام‌آور مواد مخدر در افغانستان و کاهش نیافتن قاچاق آن از این کشور به ایران سخن زده‌اند. در چنین حالتی شما چه‌طور می‌توانید قاطعانه از کاهش کشت و قاچاق مواد مخدر سخن بزنید؟

خلیلزاد در این مصاحبه از تمایل خود به این که روزی از طالبان در کاخ سفید دعوت به عمل آید پرده برمی‌دارد. او می‌گوید: «در گذشته، آن‌ها را پرزیدنت ریگان به کاخ سفید دعوت کرد. اما اکنون آن‌ها باید تغییرات زیادی در شیوه حکومت‌داری خود ایجاد کنند تا امکان چنین کاری فراهم شود.» البته برای اصلاح حرف‌های خلیلزاد باید گفت که ریگان از رهبران مجاهدین افغان در زمان جنگ سرد دعوت کرد نه از طالبان. گروه طالبان در واقع نیروی مخالف مجاهدین سابق است و فلسفه شکل‌گیری آن را دشمنی با مجاهدین پیشین تشکیل می‌دهد. آیا خلیلزاد دچار فراموشی شده یا آن که تصور می‌کند طالبان در حال حاضر همان نقشی را در استراتژی امریکا دارند که مجاهدین سابق در زمان جنگ سرد در افغانستان داشتند؟

این که خلیلزاد در مصاحبه‌هایش طالبان را گروهی نشان می‌دهد که جاگزینی ندارد و امنیت را تأمین و داعش خراسان را سرکوب کرده و دست به بازسازی افغانستان می‌زند، آدم را به یاد لیلا هلمز می‌اندازد. لیلا هلمز در دهه ۹۰ برای طالبان در امریکا لابی‌گری می‌کرد و کانال‌های ارتباطی به‌وجود می‌آورد و کارنامه سراسر سیاه طالبان را سفیدنمایی می‌کرد. او در آن سال‌ها باری گفته بود: «برایم ناخوشایند است وقتی طالبان توانسته‌اند امنیت سرتاسری را تأمین کنند و صلح و ثبات را در کشور گسترش دهند، جامعه جهانی مسایل حقوق بشر و آزادی‌های زنان و آزادی‌های مذهبی را پیش می‌کشد.» لیلا هلمز، همانند خلیلزاد، از طالبان میانه‌رو سخن می‌گفت و در تلاش بود رابطه این دسته از طالبان را با دولت امریکا برقرار کند. او آنچه را نقض حقوق زنان در افغانستان خوانده می‌شد، ناشی از تفاوت‌های فرهنگی می‌دانست و امر عادی قلمداد می‌کرد. هلمز به‌شدت با این گفته که طالبان گروه تروریستی است مخالفت نشان می‌داد. ادبیاتی را که خلیلزاد برای تبرئه و تطهیر طالبان به کار می‌برد، شباهت و همانندی بسیاری با ادبیات لیلا هلمز در دهه ۹۰ دارد.



روز جهانی جوانان؛

سهم افغانستان مهاجرت و خودکشی است

پهنیا

از آن جایی که جوانی دوران بالنده‌گی است و پایه‌های مستحکم آینده و مسیر خوب زنده‌گی در آن شکل می‌گیرد، اما امسال دومین سال است که همزمان با تجلیل از روز بین‌المللی جوانان در کشورهای مختلف، وضعیت زنده‌گی جوانان افغانستان زیر پرچم طالبان تاسف‌بار و هراس‌آور است. در دو سال پسین، جوانان بیشترین صدمه را از هر نگاه متحمل شده‌اند. اکثریت این قشر دانش‌آموخته که در دهه اخیر موثرترین فعالیت‌ها را در عرصه‌های مختلف داشتند و مسیر خوب زنده‌گی را پیموده بودند، اکنون همه را باخته و رخت سفر به سوی مرگ یا رهایی از اسارت طالبان بسته‌اند. رقم بی‌شمار این جوانان کشور را ترک کرده و مصروف کارهای شاقه و طاقت‌فرسا در کشورهای دیگرند. آنانی که هنوز زیر پرچم طالبان زنده‌گی می‌کنند، نیز در تقلا فرار به قیمت جان‌شان هستند. جوانان هیچ امیدی نسبت به آینده خوب در افغانستان ندارند و آمار خودکشی نیز در بین این قشر در دو سال حاکمیت گروه طالبان بیشترین رقم را داشته است. این جوانان می‌گویند که پس از آغاز حاکمیت طالبان، زنده‌گی‌شان رو به نابودی گراییده و هیچ امیدی نسبت به آینده در زیر حاکمیت طالبان ندارند. همه در آرزوی این هستند که بتوانند رخت سفر به سوی ناکجاآباد ببندند.

شریفه، جوان ۲۳ ساله که دانش‌آموخته رشته خبرنگاری است، از دو سال پسین زنده‌گی‌اش زیر حاکمیت طالبان قصه می‌کند. او می‌گوید که در این دو سال زنده‌گی سختی داشته و همه چیز را باخته است. در حین جوانی که باید رشد کند و از هر فرصت برای ساختن زنده‌گی و جامعه متعادل تلاش ورزد، نگاه زن‌ستیزانه گروه طالبان نسبت به او و همه زنان باعث شده است که در اسارت زنده‌گی کند و از ابتدایی‌ترین

حقوقش محروم شود. او که بارها به خاطر جنسیتش از سوی طالبان تحقیر شده، چنین می‌گوید: «من من حیث یک دختر در این دو سال در جامعه‌ای زنده‌گی کرده‌ام که زنان به خاطر جنسیت‌شان متهم به حذف شدن و دور شدن از جامعه هستند. به جای این که طالبان از نیروی جوانان برای پیشرفت کشور استفاده کنند، برعکس همه را سرکوب می‌کنند. من در این دو سال خیلی چیزها را از دست داده‌ام؛ حق آزادی، حق آموزش و حق حضور در جامعه را از دست داده‌ام. حتی کوچک‌ترین آزادی را از من گرفته‌اند.» او که نسبت به آینده‌اش من حیث یک جوان تحصیل کرده ناامید است، می‌گوید: «آینده خود را من حیث یک جوان در صورتی که رژیم زن‌ستیزانه طالبان همچنان باقی بماند، خوب نمی‌بینم و هیچ امید و دورنمایی برای زنده‌گی خوب ندارم، به خاطر این که طالبان وضعیت را برای جوانان هر روز بدتر می‌کنند. اگر فرصت برایم پیش آمد، حاضرم کشورم را ترک کنم.»

شریفه که در دو سال زنده‌گی‌اش زیر پرچم طالبان شاهد هیچ نوع تغییر مثبت در وضع جوانان نبوده، هیچ خواستی نه از طالبان و نه از جامعه جهانی دارد. او می‌گوید که از ابتدای حاکم شدن این گروه، زنان به قیمت جان‌شان همواره صدا بلند کرده و خواستار وضع محدودیت‌های شدید بالای طالبان شده‌اند، اما جامعه جهانی هیچ اقدام عملی نداشته است. به گفته او، در این دو سال محدودیت‌ها بر زنده‌گی و فعالیت جوانان و زنان نه تنها کاهش نیافته، بلکه در حال افزایش است.

نصرت‌الله، جوان دیگری است که پس از روی کار آمدن طالبان مجبور به ترک افغانستان شده و راه پرمشقت مهاجرت به سوی ایران و سپس ترکیه را پیموده است. او دانشجوی سال سوم اداره و پلیسی دانشگاه کابل بود که سایه سهم‌ناک طالبان او را از ادامه درس

بازداشت و نسبت به آینده تحصیلی‌اش ناامید کرد. او می‌گوید: «زنده‌گی اکثریت جوانان مثل من پس از آمدن طالبان نابود شد. به چه سختی و مشکلات درس خواندیم و آرزو داشتیم که از طریق درس خواندن آینده خود و جامعه خود را بسازیم، اما هجوم یک‌باره‌گی طالبان همه چیز را از ما گرفت.» او در روزهای نخست حاکمیت طالبان کابل را به قصد کشور ایران ترک کرد. پس از رسیدن به آن کشور و ماه‌ها تحمل کار طاقت‌فرسا در یکی از شرکت‌های سنگ‌بری، جانش را به خطر انداخت و به سوی ترکیه به گونه غیرقانونی رهسپار شد و از مسیر دشوار آن‌جا نیز نیمه‌جان برگشت. او می‌گوید: «به چه امیدی در افغانستان می‌ماندیم، در صورتی که طالبان نه احترامی به حقوق بشر دارند و نه دست جوانان را می‌گیرند. هر روز جوان‌ها را بی‌دلیل لگدمال کرده و می‌کشند. نه تنها من، بلکه هزاران جوان تحصیل کرده دیگر که به سویه لیسانس و ماستر بودند، سال‌ها زحمت‌شان را ترک کرده و حاضر شدند به قیمت جان‌شان افغانستان را ترک کنند و در جایی دیگر در جست‌وجوی زنده‌گی خوب باشند. خیلی دلم به حال خودم و دیگر جوانان می‌سوزد؛ چون زنده‌گی خوب نه در کشور خود ما میسر شد و نه در ملک بیگانه.» اکنون او نیرو و انرژی جوانی‌اش را به جای درس خواندن، در ملک بیگانه در کارهای طاقت‌فرسا و شاقه صرف می‌کند.

جوانان همواره به‌عنوان نیروی محرک و منبع انرژی، نقش عمده و اساسی در جهت‌گیری‌ها و توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند و استفاده از این نیرو باعث پیشرفت و بالنده‌گی جامعه می‌شود؛ اما جوانان در افغانستان اعم از پسر و دختر پس از آغاز حاکمیت طالبان دچار سردرگمی شده‌اند و هیچ امید و دورنمایی برای زنده‌گی خوب ندارند. این قشر اکنون نه تنها هیچ سهمی در آبادی وطن گرفته

نمی‌تواند، بلکه مسیر رسیدن به زنده‌گی ایده‌آل را نیز گم کرده است.

نازنین (نام مستعار) ۲۴ ساله که در رشته انجینیری یکی از دانشگاه‌های دولتی ولایت بلخ درس می‌خواند، به‌تازگی مجبور به ترک افغانستان شده است. او نیز همانند بسیاری از جوانان دختر و پسر، سال‌های عمرش را صرف تحصیل و ساختن آینده خوب کرده بود، اما پس از دو سال تحمل زنده‌گی طاقت‌فرسا و وضع بد اقتصادی زیر پرچم طالبان، مجبور به ترک کشور شده است. او می‌گوید: «زنده‌گی تمام جوانان افغانستان به‌خصوص دختران بعد از آمدن طالبان دگرگون شده است. دو سال بود که سردرگم بودم و هیچ نمی‌دانستم چه کار کنم. آخر هم مهاجر شده‌ام. حیف این همه استعداد و انرژی که در راه آبادی وطن صرف نشد.»

او در آستانه فراغت از دانشگاه قرار داشت که گروه طالبان درب دانشگاه‌ها را به روی دختران بستند و آخرین امید را نیز از او گرفتند. او می‌گوید: «فقط دفاع پایان‌نامه‌ام مانده بود تا اسناد فارغ‌التحصیلی‌ام را بگیرم. ماه‌ها سردرگم بودم و انتظار کشیدم تا شاید درب دانشگاه‌ها را باز کنند، اما نکردند. آخر مجبور شدم به خاطر وضعیت بد اقتصادی، نتیجه سال‌ها زحمت خود را گذاشته و همراه با خانواده‌ام به کشور ایران مهاجر شوم.» او نیز روزها را در کارخانه خیاطی در ایران سپری می‌کند.

این در حالی است که با سقوط نظام جمهوری و روی کار آمدن رژیم استبدادی طالبان، زنده‌گی اکثریت جوانان رو به نابودی گراییده است. این گروه پس از حاکم شدن، نه تنها زمینه کار و پیشرفت را برای جوانان محدود ساخته، بلکه زمینه آموزش و تحصیل را نیز از بخش بزرگ آن‌ها گرفته است. حاکمان طالبان تحصیل را برای دختران منع کرده و حضور آنان در جامعه را غیرضروری خوانده‌اند. با فروپاشیدن نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و وضع محدودیت‌ها بر زنده‌گی مردم و سیر نزولی بازار کار، جوانان پسر نیز نسبت به آینده‌شان ناامید شده و مهاجرت‌های غیرقانونی را یگانه راه نجات از این ورطه می‌دانند که با گذشت دو سال هنوز هم این پدیده رو به افزایش است. ناامیدی و فضای خفقان طالبانی نیز سبب شده است تا جوانان تئاتر ناامیدی را بر گردن‌شان انداخته و به زنده‌گی‌شان پایان ببخشند. آمار خودکشی در بین این قشر در دو سال پسین به‌شکل بی‌پیشینه افزایش داشته است و هر ماه به رقم این تعداد افزوده می‌شود.

سنگ‌زن

مبارزه با ناامیدی؛

زنان جهان متحد شوید

فروغ تصمصم



قبیل سلاح، موثرهای دولتی و غیره تلاشی می‌شد. من، دو خواهرم، مادرم و پدرم در استرس و دل‌پره به سر می‌بردیم. خانه‌های مقام‌های دولتی که کابل را ترک کرده بودند را تصرف کردند. چند بار به بهانه تلاشی خانه ما آمدند و به پدرم اخطار دادند که چرا دخترهای جوان را در خانه نگاه کرده‌ای و چرا به نکاح مجاهدین ما نمی‌دهید. پدر و مادرم از ترس خون در رگ‌های‌شان منجمد شده بود.

شب و روز گریه می‌کردم که ما به کدام جرم نکرده، مجازات می‌شویم. هر روز یک خبر تکان‌دهنده و دل‌خراش را می‌شنیدیم. یک روز مکتب‌ها به روی دخترها بسته می‌شد و روز دیگر دانشگاه‌ها. آهسته‌آهسته زنده‌گی به یک جهنم و به یک زندان تبدیل شده بود و وضعیت روحی‌ام خوب نبود. زنده‌گی به کندی می‌گذشت، انگار نبض زمان ایستاده بود و من به دهقانی بی‌بضاعت می‌ماندم که همه حاصلاتش را در یک چشم به هم‌زدن سیل با خود برده است.

کردند. اکثر آن خانواده‌ها تنها دختران جوان‌شان را به کابل انتقال دادند. مادران با چشمان پراشک، نگران سرنوشت دختران‌شان بودند تا مبادا بر دختران‌شان تجاوز شود و یا به نکاح اجباری جنگ‌جویان طالبان داده شوند. وقتی آن خبرها را می‌شنیدم، رنگ از رخ من و خانواده‌ام می‌پرید که مبادا ما طمع طالبان شویم که بالاخره با چنین پیشنهادشان روبه‌رو گردیم. محلی که در آنجا زنده‌گی می‌کردم، محل اقامت خانواده‌های مقام‌های بلندرتبه دولتی بود. رفت‌وآمد طالبان زمانی که کابل را تصرف کردند، به آنجا شروع شد. همه‌روزه خانه‌ها به بهانه‌های مختلف از

این افراط‌گرایان اسلامی می‌داد که طالبان هدف قرار دادن زنان و دختران را در دستور کار خود قرار داده‌اند. آوازه تکرار پروژه جهاد نکاح و انواع محدودیت بر زنان دست‌به‌دست می‌شد.

بعد از ۲۰ سال سرمایه‌گذاری بزرگ برای ساختن یک جامعه انسانی، متأسفانه دوباره به نقطه صفر رسیدیم. همه چیز حتا رویاها و آرزوهای مان را نابود کردند. هر روز از طریق صفحات مجازی مطلع می‌شدم که طالبان خانه‌به‌خانه می‌روند و دختران را با اجبار به عقد خود درمی‌آورند و آنان را مجبور به برده‌گی جنسی می‌کنند. آن‌ها پس از تصرف، به امامان مساجد دستور دادند تا فهرست زنان مجرد ۱۲ تا ۴۵ سال را برای ازدواج با سربازان طالب به‌عنوان غنیمت جنگی، به آن‌ها تحویل بدهند. ده‌ها خانواده از مزار و کندز فرار

قصه زنده‌گی من مانند قصه زنده‌گی هزاران دخت این سرزمین است که به پله‌های موفقیت رسیده بودند؛ اما با آمدن گروه «مزدور» به فنا رسیده و قصه روزگار شده‌اند. من انجینیری یکی از ادارات مهم دولتی بودم. روزهای سخت و طاقت‌فرسا یکی پی دیگر می‌گذشت. اخبار وحشت‌ناک را که گروه طالبان هر روز یک یا دو ولایت را تصرف می‌کرد، می‌شنیدم؛ اما این که روزی کابل سقوط کند را باور نداشتم. متأسفانه سقوط کابل یکی از باورنکردنی‌ترین اتفاقات زنده‌گی‌ام بود. چه قدر زنده‌گی انسان ناپایدار است، در یک چشم به هم‌زدن هرچه را که به دست آورده‌ای، چه ارزان از دست می‌دهی. در این میان، موجی از اظهارات تلخ و بیم‌ناک در شبکه‌های اجتماعی از سوی کاربران افغانستان، خبر از تکرار اقدامات

حکومت همه‌شمول انتخابی یا مصلحتی؟

جای شک نیست که خوبترین و حقیقی‌ترین مدل حکومت همه‌شمول همانا تشکیل حکومت بر اساس رای معتبر مردم است که طبق شروط از قبل پیش‌بینی شده در قانون، عرض وجود می‌کند. اما به‌دلیل این که شرایط کنونی افغانستان از هیچ لحاظ برای راه‌اندازی یک انتخابات شفاف سرتاسری مساعد نیست، ایجاب می‌کند تا برای فراهم‌کردن زمینه برگزاری چنین انتخاباتی، حکومت موقت فراگیر تشکیل شود. محور بحث در این طرح، حکومت موقت همه‌شمول است که نباید با حکومت همه‌شمول قانونی مغالطه شود.



فرخ‌لدا اونچی‌زاده

رویدادها و اتفاقات چهل و هفت سال گذشته درس بزرگی برای افغان‌ها شمرده می‌شود تا در روشنی تجارب به‌دست‌آمده از این بحران طولانی‌مدت، آینده بهتری را برای کشورشان رقم بزنند. جای شک نیست که سقوط یا فروپاشی پیهم نظام‌های سیاسی به‌شمول نظام جمهوری، اسباب و عوامل خارجی نیز دارد؛ ولی اگر ارزیابی صادقانه و بدون ریا از عموم عوامل اثرگذار در فروپاشی نظام‌های مذکور صورت گیرد، درخواهیم یافت که ریشه‌های اصلی دربه‌دوری‌های سالیان گذشته که چندین نسل ما عواقب ناگوار آن را بر دوش می‌کشند، در زیر پای خود افغان‌ها بوده و در حقیقت امر رفتار غیرمسئولانه و حرص بیش از حد قشر سیاسی کشور برای باقی ماندن در اریکه قدرت، فرصت را برای مداخله دیگران فراهم کرده است. این حقیقت تلخ تاریخی را هرگز نمی‌توان تغییر داد و انکار آن، به‌معنای فریب دادن خود و سایرین خواهد بود. بنابراین، یگانه راه حل معضل افغانستان این است که افغان‌ها مسیر و افکار خود را در قبال عموم موضوعات و مسایل مهم ملی اصلاح کنند. با اندک نگاه به جریانات چند سال گذشته می‌بینیم که جرقه‌های اول توفان جاری که همه هست‌بود ما را با نابودی مواجه کرده است، از خصومت‌ها و عقده‌های شخصی آغاز شده و به‌تدریج سایر رفتارهای غیرمدنی مانند توطیه‌گری برای حذف یکدیگر از قدرت، انتقام‌جویی‌ها، تنگ ساختن ساحه فعالیت سیاسی و مدنی به‌روی مخالفان سیاسی، نادیده گرفتن دیدگاه‌ها و نظریات مخالفان به آن افزوده شد. علاوه بر این، نداشتن بصیرت و درایت سیاسی کافی برای پرداختن به خواست‌های مشروع سایر گروه‌های سیاسی و عموم مردم افغانستان، حس عمیق خودخواهی و خودپرستی، جنون قدرت‌پرستی و ترجیح دادن به منافع شخصی و گروهی نسبت به منافع ملی، باعث عمیق‌تر شدن بیش از حد بحران مذکور شده است.

به همین دلیل، نظام‌های گذشته با این که تمام نیروی خود را برای بسیج قدرت‌های قومی، حزبی و زبانی به‌منظور بقای قدرت و نظام سیاسی خود صرف کردند و حتا آثانی که علاوه بر ابزارهای سنتی داخل، به حمایت قدرت‌های بیرونی چشم دوخته بودند، سرانجام در بن‌بست سیاسی از درون فرو پاشیدند. طالبان نیز تا کنون به تعهدات خویش مبنی بر ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر معیارها و قواعد پذیرفته شده که در آن قدرت مردم افغانستان به‌عنوان محور اصلی حاکمیت شناخته شده باشد، عمل نکرده‌اند. در روزهای نخست تصرف کابل، طالبان تشکیل دولت فراگیر را به‌عنوان یگانه محور پذیرش جمعی و همبسته‌گی ملی به مردم افغانستان و جهان وعده داد

که تا کنون عملی نشده است و افغانستان بار دیگر با بن‌بست سیاسی مواجه شده است. در حال حاضر چنددسته‌گی در دیدگاه‌های طالبان راجع به تشکیل دولت فراگیر دیده می‌شود. اکثریت رهبران این گروه حکومت کنونی را فراگیر می‌دانند و آغاز گفت‌وگو را در این زمینه، یک امر غیرضروری و عاری از مفید و نامود می‌کنند، در حالی که تعداد دیگری از آن‌ها، بحث ایجاد چنین حکومتی را از ریشه رد کرده و سعی دارند نظام امارتی کنونی را به هر قیمتی که شده، در افغانستان نهادینه سازند. اما هستند کسانی که بر ضرورت ایجاد چنین یک حکومتی تأکید دارند.

همزمان با این، در سطح سایر سیاستمداران نیز راجع به ایجاد حکومت فراگیر دیدگاه‌ها و نظریات متعددی وجود دارد. همچنان کشورهای منطقه و جهان نیز با این که ایجاد حکومت فراگیر را یک گزینه موثر برای حل بحران افغانستان می‌دانند، ولی هر کدام از این کشورها راجع به شکل و ماهیت این حکومت دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مهم این است که تا کنون هیچ یک از طرف‌های داخلی و خارجی کدام مدل مشخصی از این حکومت را پیشنهاد نداده و کدام تعریف واحد نیز از این حکومت ارایه نکرده است. بنابراین، با توجه به موقف‌ها و دیدگاه‌های مختلفی که در سطح ملی و بین‌المللی راجع به حکومت همه‌شمول وجود دارد، ذکر مطالب و موارد ذیل را حتمی می‌دانم:

جای شک نیست که خوب‌ترین و حقیقی‌ترین مدل حکومت همه‌شمول همانا تشکیل حکومت بر اساس رای معتبر مردم است که طبق شروط از قبل پیش‌بینی شده در قانون، عرض وجود می‌کند. اما به‌دلیل این که شرایط کنونی افغانستان از هیچ لحاظ برای راه‌اندازی یک انتخابات شفاف سرتاسری مساعد نیست، ایجاب می‌کند تا برای فراهم‌کردن زمینه برگزاری چنین انتخاباتی، حکومت موقت فراگیر تشکیل شود. محور بحث در این طرح، حکومت موقت همه‌شمول است که

نیاورد با حکومت همه‌شمول قانونی مغالطه شود. در این راستا، اولین اقدامی که باید صورت گیرد، آغاز فوری یک گفت‌وگو ملی بین‌الافغانی است. البته برای پیش‌برد منظم و تسهیل پروسه‌ها بهتر شمرده می‌شود تا این روند تحت نظر سازمان ملل متحد، ولی بدون هر نوع مداخله و فشار بیرونی صورت گیرد. مهم است که موضوع بحث این گفت‌وگو و خطوط قرمز آن از قبل مشخص و تدوین شود. چیزی که موفقیت این گفت‌وگو را تضمین می‌کند، نیت نیک و عاری از هر نوع تعصب و تبعیض اشتراک‌کننده‌گان آن می‌باشد. تأکید روی موقف‌هایی که با منافع ملی همخوانی ندارد، این گفت‌وگو را به بیراهه سوق خواهد داد و باعث سرافکنده‌گی مزید مردم افغانستان در سطح

دختران معترض در تخار و بدخشان خواهان لغو توافق نامه دوحه با طالبان شدند

۸صبح، تخار: همزمان با دو ساله‌گی حاکمیت طالبان در افغانستان، منابع محلی در تخار و بدخشان می‌گویند که دختران معترض در این ولایت‌ها، خواستار لغو توافق‌نامه دوحه میان این گروه و ایالات متحده امریکا شده‌اند.

منابع روز شنبه، ۲۱ اسد، می‌گویند که دختران معترض تخاری و بدخشانی با راه‌اندازی اعتراضات خیابانی و در مکان‌های سربسته گفته‌اند که توافق‌نامه دوحه میان امریکا و طالبان سبب افتادن افغانستان به‌دست طالبان شده است.

به گفته آنان، افتادن کشور به‌دست طالبان سبب شد تا میلیون‌ها انسان آواره شود، گرسنه‌گی و آرتاید جنسیتی و قومی از سوی طالبان بیشتر شده و زنان از تحصیل و کار منع شوند.

این دختران معترض تصریح کرده‌اند که توافق‌نامه دوحه نتیجه مثبتی در پی نداشته است.

آنان افزوده‌اند که «گروه‌های تروریستی» در افغانستان جا گرفته و امنیت جانی و مالی مردم را به خطر مواجه کرده‌اند.

این معترضان می‌افزایند که هرگونه تعامل و به‌رسمیت شناختن طالبان از سوی امریکا به معنای تعامل و شناسایی «تروریسم و رسمیت دادن به تروریست‌ها» است.



دختران معترض تأکید کرده‌اند که در صورت به‌رسمیت شناسی طالبان، زنان و مردم افغانستان دست از مبارزه نمی‌کشند و نهاد‌های حقوق بشری و بین‌المللی باید با حمایت از یک حکومت فراگیر به «نسل‌کشی، جنایات جنگی و تروریسم» در کشور پایان دهند.

با سلطه طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را علیه شهروندان کشور به‌خصوص دختران و زنان وضع کرده است.

یک زن در پروان خودکشی کرد

۸صبح، پروان: منابع محلی در پروان می‌گویند که یک زن در ولسوالی سیاه‌گرد این ولایت، خود را حلق آویز کرده است.

منابع روز شنبه، ۲۱ اسد، به روزنامه ۸صبح، گفتند که این رویداد عصر روز گذشته در روستای ملی خیل این ولسوالی رخ داده است.

در همین حال، مسوولان محلی طالبان در پروان این رویداد را تأیید کرده و گفتند که جسد این زن به‌هدف تحقیقات بیشتر به طب عدلی کابل انتقال داده شده است.

تا کنون انگیزه این رویداد روشن نیست. طالبان شوهر این زن را به اتهام دست داشتن در این قضیه بازداشت کرده‌اند.

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، رویدادهای خودکشی و قتل‌های مرموز در پروان بیشتر شده است.

در اوایل ماه جاری نیز یک زن ۴۵ ساله در دره قمچاق این ولسوالی از ناحیه گردن زخمی و سپس جان باخت.

جهانی خواهد شد. بدون شک مشارکت و شمولیت جوانب سیاسی افغانستان و مشخصاً زنان و تکنوکرات‌ها، دال مرکزی این گفت‌وگو ملی را تشکیل خواهد داد. تشکیل حکومت فراگیر موقت با حضور مؤثر زنان اکنون تبدیل به خواست اصلی زنان و جامعه جهانی شده است.

آیا امکان عملی برای تاسیس حکومت فراگیر در نتیجه گفت‌وگو ملی وجود دارد؟

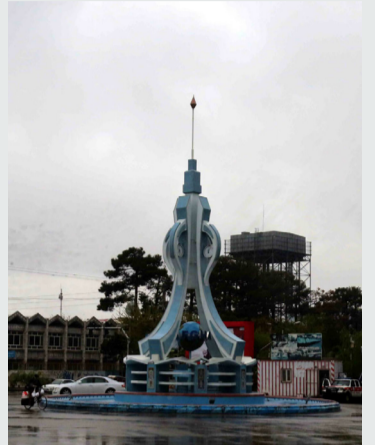
بهرغم آنچه ذکر شد، بازهم ایجاد دولت همه‌شمول مطابق مقتضیات افغانستان و انتظارات کشورهای منطقه و جهان، قابلیت و امکان تحقق را دارد. نهایت این امکان، بیش‌تر متکی بر فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است وگرنه مخالفان سیاسی و نظامی طالبان در شرایط کنونی چندان قدرتی برای تحمیل فشار قوی بر طالبان برای ایجاد حکومت همه‌شمول ندارند.

کشورهای همسایه افغانستان و منطقه هر یک مطابق منافع مشترک منطقه‌ای و نیز منافع ملی خود، بایستی برای ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان بر طالبان فشار وارد کنند. در نگاه استراتژیک برخی از دولت‌ها، ایجاد حکومت فراگیر از جانب طالبان، زمینه مشارکت مؤثر تمام اقوام افغانستان را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کلان فراهم می‌کند و باعث صیانت از منافع ملی همسایه‌ها نیز می‌شود. نگرانی جامعه جهانی نسبت به عدم تشکیل دولت همه‌شمول در افغانستان، متفاوت‌تر از کشورهای همسایه است. آنان بیش‌تر بر حضور زنان، اراده مردم، حق شهروندی و دیگر الزامات پذیرفته شده جهانی تأکید دارند.

هرگاه گفت‌وگو ملی در نهایت منجر به توافق روی تشکیل حکومت فراگیر موقت شود، باید قانون اساسی سال ۱۳۸۲ به‌عنوان قانون اساسی موقت مرعی‌الاجرا قرار داده شود و در محور آن، به استثنای شورای مجلسین اعم از پارلمان و سنا، عموم ادارات و دوایر دولتی به‌شمول سکتور عدلی و قضایی طبق تشکیل نظام جمهوریت مجدداً فعال شده و اجراءات خود را طبق روال قبلی انجام دهند. ولی همزمان با این، توجه جدی حکومت موقت باید روی فراهم کردن زمینه برای انتخابات آزاد، سرتاسری و عمومی باشد.

به‌صورت خلاصه می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد که طالبان بدون فشار مضاعف، به تشکیل حکومت فراگیر رضایت نمی‌دهند. ابزار فشار فعلاً در داخل افغانستان وجود ندارد و بیش‌تر در دست کشورهای همسایه و جامعه جهانی است. مساله به‌رسمیت شناخته شدن طالبان، حذف نام اعضای این گروه از لیست سیاه سازمان ملل متحد و آزادسازی پول‌های بلوکه شده افغانستان، فعلاً به‌عنوان سه اهرم فشار مؤثر کشورها بر طالبان می‌تواند مطرح باشد.

افزایش درجه...



در همین حال، دانش‌آموزان مکاتب در هرات نیز خواهان فراهم شدن امکانات سرمایشی در صوفشان هستند و می‌گویند که با چنین وضعیت به دروسشان رسیدگی نمی‌توانند. عبیدالله، معلم صنف ششم مکتب است. او به روزنامه ۸ صبح گفت: «هوا بسیار زیاد گرم شده است. روزی ۱۰ تا ۱۵ صنفی ما خون‌دماغ می‌شوند. روز پنج - شش صنفی ما از گرمی ضعف می‌کنند. در داخل صنف‌های خود آب نداریم. کولر و پکه هم نداریم. در داخل صنف‌های ما هیچ طاقت نمی‌شود. استادها می‌گویند که اگر به مکتب نیاییم، ما را غیر حاضر می‌کنند. ما دانش‌آموزان همه مریض شده‌ایم. همین حالا از یک صنف ۲۵ یا ۳۰ نفره، یک دانش‌آموز پیدا نمی‌شود که روزانه یا خون‌دماغ نشود یا ضعف نکند و سردرد نباشد. خیلی وضعیت سخت داریم.»

او همچنان اضافه می‌کند: «چند بار به سر معلم مکتب خود گفتم و خانواده‌ها آمد که همین بچه‌های ما کلاً مریض شده‌اند، چند روز رخصتی کنید؛ اما سر معلم گفت که رییس معارف به ما اخطار داده که اگر رخصتی کردید، مسوولیت به گردن خود شماست.»

همزمان با این، مسوولان در شفاخانه حوزه‌های هرات از افزایش بیماری‌های فصلی چون اسهال، استفراغ و گرم‌زده‌گی در بین کودکان خبر می‌دهند. آنان می‌گویند که تنها در ماه جوزا نزدیک به یک هزار واقعه اسهال، استفراغ و گرم‌زده‌گی در بخش اطفال شفاخانه حوزوی هرات ثبت شده است. دکتر میرویس عابدی، مسوول بخش اطفال شفاخانه حوزوی هرات، گفت که آمارهای ماه جوزای این بخش نشان می‌دهد که در این ماه ۴۴۲ کودک مصاب به بیماری اسهال و استفراغ و ۵۳۴ کودک مبتلا به بیماری تب بالا و عفونت خونی، در این شفاخانه تحت درمان قرار گرفته‌اند.

به گفته یک منبع در شفاخانه حوزوی هرات، بیشتر کودکانی که دچار گرم‌زده‌گی شده، دانش‌آموز بوده‌اند. او افزود که روزانه ۳۰ تا ۳۵ دانش‌آموز به دلیل گرم‌زده‌گی به شفاخانه حوزوی هرات مراجعه می‌کنند.

گفتنی است که هم‌ساله با افزایش دما در فصل تابستان و رعایت نشدن بهداشت شخصی - محیطی، بیماری‌های گرم‌زده‌گی، اسهال و استفراغ در میان کودکان گسترش می‌یابد. این در حالی است که امسال جهان گرمای بی‌پیشینه‌ای را تجربه می‌کند. در یکی از موارد، ایران در همسایه‌گی با افغانستان، به دلیل افزایش درجه حرارت هوا دو روز را رخصتی عمومی اعلام کرد.

مبارزه بانامیدی... ۵ از صفحه



هر نحوی شده علیه این بی‌عدالتی صدای خود را بلند کنم.

روزی که دانشگاه‌ها را به روی دختران بستند و گفتند دختران نه اجازه تحصیل دارند و نه اجازه

بیرون شدن، فکر کردم صاعقه‌ای به سرم فرود آمده است؛ اما من کسی نبودم که از مبارزه دست بکشم. صدای اعتراض خود را از طریق رسانه‌ها به گوش طالبان، جامعه جهانی و فعالان حقوق بشر رساندم. با به نشر رساندن ویدئوهای اعتراضی، علیه این رژیم در مبارزه بودم. با زنان و بانوان معترض دیگر برای هر یک از حقوق ما که رژیم سفاک طالبان از ما طی فرمان‌های خود می‌گرفت، در جاده‌ها می‌رفتم و اعتراض می‌کردم. تا این که مرا شناسایی کردند. خطابه تلفنی دریافت کردم. دختران دیگر که همانند من صدای خود را بلند می‌کردند، زندانی می‌شدند و هر گونه ظلم از خشونت فیزیکی تا تجاوز جنسی بالای‌شان صورت می‌گرفت؛ در جهنمی که مردمش هر روز به مرگ تدریجی از بین می‌روند. حالا با نوشتن سرگذشتیم از جهان می‌خواهم که هرگز این رژیم نابه‌کار و تروریستی را به رسمیت نشناسد و آن‌ها را مورد بازپرس و محکمه جهانی قرار دهد.

من به مبارزات ادامه می‌دهم و پیام درخواست

حق و برابری جنسیتی است. من می‌خواهم دختران و زنان افغانستان هم مانند زنان و دختران جهان حق تحصیل، حق کار، حق انتخاب رشته مورد نظر، حق انتخاب همسر و حق آزادی را داشته باشند تا بتوانند با در نظر داشت آزادی‌های سیاسی و اقتصادی زنده‌گی کنند. ۱۵ اگست تنها یک روز عادی برای مردم افغانستان به‌خصوص زنان و من نیست؛ این روز تمام سرنوشت ما را دگرگون کرد و امید و انرژی را از ما گرفت. اکنون که در این طرف آب‌ها بر چوکی دانشجویی تکیه داده‌ام و به دختران دربند افغانستان فکر می‌کنم، تصور این است که یک روز حتماً زنان افغانستان با ایثار و فداکاری جان‌های خود در برابر طالبان زن‌ستیز از این فاجعه قرن پیروز به در می‌آیند، اگر امید آن‌ها به‌عنوان آخرین سنگر زنده‌گی زنده باقی بماند و مردم جهان در کنار آن‌ها ایستاده شوند، به‌خصوص زنان جهان. خطاب من به زنان جهان در کانتکست همان جمله معروف مارکس است: زنان جهان متحد شوید و امید را دوباره زنده کنید.

حادثات ترافیکی در میدان وردک، بادغیس و فراه شش کشته و چهار زخمی برجا گذاشت



به گفته منابع، این حادثه روز جمعه، ۲۰ اسد، رخ داده است.

همچنان منابع محلی در فراه می‌گویند که در پی وقوع یک رویداد ترافیکی در مرکز این ولایت یک جوان جان باخته است.

مسوولان محلی طالبان در ولایت‌های میدان وردک، بادغیس و فراه تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

وقوع رویدادهای ترافیکی در این اواخر در سطح کشور افزایش یافته است.

این در حالی است که دوشنبه گذشته نیز، دو تن در پی واژگون شدن یک موتر نوع برابری در ولسوالی ساغر ولایت غور کشته و زخمی شدند.

۸ صبح، میدان وردک: منابع محلی در میدان وردک می‌گویند که در پی واژگون شدن یک عراده تراکتور از جاده در مربوطات این ولایت، چهار عضو یک خانواده جان باختند و سه تن دیگرشان زخم برداشته‌اند.

منابع به روزنامه ۸ صبح گفتند که این حادثه روز شنبه، ۲۱ اسد، در ولسوالی دایمیرداد رخ داده است.

به گفته منابع، دو زن و یک کودک شامل جان باخته‌گان این رویداد هستند. در همین حال، منابع محلی در بادغیس می‌گویند که در نتیجه واژگون شدن یک عراده موترسایکل از جاده در منطقه لامان این ولایت، یک پسر جوان جان باخت و یک تن دیگر زخمی شده است.

جوانی در کاپیسا مدرش را با ضربات چاقو به قتل رساند

۸ صبح، کاپیسا: مسوولان محلی طالبان در کاپیسا می‌گویند که یک زن ۵۵ ساله در این ولایت از سوی پسرش توسط چاقو در نخست زخمی و سپس در شفاخانه جان باخته است. دفتر مطبوعاتی قوماندانی امنیه طالبان در کاپیسا، گفته که این رویداد حوالی ساعت ۸:۰۰ جمعه‌شب، ۲۰ اسد، در روستای کیشکتان ولسوالی حصه دوم این ولایت رخ داده است.

عامل این رویداد که سیداجان نام دارد به دستور پدرش از سوی برادر خورد سن‌اش با شلیک تفنگ شکاری زخمی شده است.

به گفته دفتر مطبوعاتی قوماندانی امنیه کاپیسا، سیداجان از سوی طالبان بازداشت اما برادرش پس از رویداد از ساحه فرار کرده است.

مسوولان محلی طالبان در مورد انگیزه این رویداد چیزی نگفته‌اند.



صبح ۸
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سرمدیر: حسین بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جوریا

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش آگهی: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بر بنیاد گزارش‌ها، انورالحق کاکر، سناتور حزب عوامی بلوچستان در مجلس سنای پاکستان به‌عنوان نخست‌وزیر موقت آن کشور انتخاب شده است. روزنامه دان روز شنبه، ۱۲ اگست، به نقل از بیانیه دفتر نخست‌وزیری پاکستان گزارش داده است که شهپاز شریف، نخست‌وزیر پیشین و راجا ریاض، رهبر جناح مخالف دولت پاکستان پس از یک نشست ویژه روی انتخاب آقای کاکر به توافق رسیده‌اند. طبق گزارش، عارف علوی، رئیس‌جمهور پاکستان نیز به این انتخاب موافقت کرده است. این در حالی است که به تاریخ ۱۰ اگست سال روان میلادی، رئیس‌جمهور پاکستان دستور انحلال شورای ملی آن کشور را صادر کرد.



بیجینگ خواستار همکاری فلیپین برای رفع تنش‌ها در دریای جنوبی چین شد

وزارت امور خارجه چین از فلیپین خواسته است تا برای دستیابی به رفع تنش‌ها در دریای جنوبی چین با بیجینگ همکاری کند.

خبرگزاری رویترز روز شنبه، ۱۲ اگست، گزارش داده که وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، این اظهارات را در جریان سفرش در روزهای پنج‌شنبه و جمعه گذشته به سنگاپور و مالیزیا بیان کرده است. وانگ یی گفته که چین بارها تمایل خود را برای حل اختلاف‌ها با فلیپین از طریق گفت‌وگوهای دوجانبه مطرح کرده و امیدوار است که طرف فلیپینی از توافقی که در گذشته حاصل شده، پیروی کند.



وزیر خارجه چین این اظهارات را هم‌زمان با افزایش تنش‌ها میان این کشور و فلیپین بر سر موقعیت مکانی یک کشتی جنگی به گل نشسته که به‌عنوان یک پایگاه نظامی در دریای جنوبی چین حضور دارد، بیان کرده است.

فلیپین در سال ۱۹۹۹ میلادی به‌عنوان بخشی از ادعای مالکیتش بر جزیره آیونگین، قصاداً کشتی جنگی «سیرا مادره» را به‌روی گل نشانده و نیروهایش را در آن مسقر کرده است. به‌رغم حکم دادگاه لاهه در سال ۲۰۱۶ مبنی بر این‌که جزیره آیونگین واقع در دریای جنوبی چین، مالیکت فلیپین است، اما بیجینگ از به‌رسمیت شناختن این فیصله خودداری کرده و آن را پوچ، غیرقانونی و بی‌اعتبار خوانده.

علی اکبر امیری به مدال طلا در رقابت‌های تکواندوی آزاد کوریای جنوبی دست یافت

۸ صبح، کابل: علی اکبر امیری، تکواندو کار افغانستان، پس از شکست ورزشکاران کشورهای قزاقستان، کوریای جنوبی، نایجریا و کانادا به مدال طلا در رقابت‌های تکواندوی آزاد کوریای جنوبی دست یافته است.



امیری این مدال را روز جمعه، ۲۰ اسد، به‌دست آورد. او در این رقابت‌ها در برابر عبدالرازق ایسوفو، قهرمان تکواندو جهان و نایب قهرمان المپیک برازیل، به پیروزی دست یافت. این نخستین مدال طلا در تاریخ تکواندوی افغانستان از رقابت تکواندوی آزاد «G۲» است. رقابت‌های جهانی تکواندوی آزاد کوریای جنوبی ۲۰۲۳ با اشتراک ۵۲۰ تن از حدود ۶۰ کشور جهان برگزار شده است. این رقابت‌ها که روز گذشته آغاز شده قرار تا فردا یک‌شنبه، ۲۲ اسد، ادامه یابد.



گفت‌وگوی محرمانه زلنسکی با نظامیان بریتانیایی

وی افزوده است: «نشستی از طرف زلنسکی در قالب یک ویدیو کنفرانس میان نمایندگان نظامی و سیاسی اوکراین و امریکا برگزار شد که بر اوضاع در خط مقدم جنگ و همچنان همکاری دفاعی متمرکز بود.»

یرماک خاطرنشان کرده که در جریان این مذاکرات، طرف اوکراینی بر نیازهای کلیدی نیروهای این کشور و لزوم افزایش تدابیر دفاعی از شهرها و زیرساخت‌های در اوکراین تاکید کرده است.

این دیدارها در حالی صورت می‌گیرد که شماری از مقام‌های غربی نسبت به این‌که ضد حمله اوکراین از مسیر خود خارج شده ابراز نگرانی کرده و تاکید دارند که این ضد حمله احتمالاً در راندن نیروهای روسیه از مناطق اشغالی موثر نباشد.

اندژی دودا، رئیس‌جمهور پولند پنج‌شنبه گذشته به واشنگتن پست تاکید کرده که اوکراین برای دستیابی به هدف تعیین شده، به کمک‌های بیشتر نظامی نیاز دارد.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، با مقام‌های ارتش بریتانیا در مورد ارسال تسلیحات بیشتر به کی‌یف گفت‌وگوی محرمانه داشته است.

خبرگزاری راشاتودی روز شنبه، ۱۲ اگست، گزارش داده که این موضوع را زلنسکی در یک پیام ویدیویی در کانال تلگرامش بیان کرده است.

در مورد تاریخ این مذاکرات چیزی گفته نشده است. رئیس‌جمهور اوکراین گفته است که بسته‌های جدیدی از کمک‌های نظامی بریتانیا شامل سیستم دفاع هوایی برای ارسال به کی‌یف آماده شده‌اند.

پیش از این آندری یرماک، رئیس دفتر زلنسکی اعلام کرده بود که نمایندگان ارتش این کشور دیدارهای با نظامیان امریکایی از جمله لوید آستین، وزیر دفاع، جیک سالیوان مشاور امنیت ملی و مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا داشته‌اند.

وضعیت بحرانی در قره‌باغ؛ ارمنستان خواستار برگزاری نشست فوری شورای امنیت سازمان ملل شد



آماده‌سازی نسل کشی علیه ارمنی‌ها در منطقه قره‌باغ کوهستانی است و از شورای امنیت سازمان ملل خواست تا این موضوع را در دادگاه بین‌المللی مطرح کند.

در این گزارش آمده است که بسته شدن تنها جاده منتهی از ارمنستان به قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان به طور جدی مانع تامین مواد غذایی، تجهیزات طبی و سایر اقلام ضروری برای منطقه ۱۲۰ هزار نفری شده است.

ارمنستان و جمهوری آذربایجان در اوایل دهه ۱۹۹۰ و سال ۲۰۲۰ بر سر منطقه ارمنی‌نشین قره‌باغ که در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ جدایی خود از باکو را اعلام کرد، با هم درگیر شدند.

جنگ سال ۲۰۲۰ این دو کشور در نهایت با میانجی‌گری روسیه و استقرار نیروهای حافظ صلح این کشور به پایان رسید.

اما اکنون باکو با محاصره گذرگاه لاپچین که تنها مسیر فرستادن مواد غذایی، پزشکی و کمک‌های بشردوستانه می‌باشد، وضعیت انسانی در این منطقه را بحرانی کرده است.

به‌دنبال بدتر شدن وضعیت انسانی در منطقه مرزی مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی به‌دلیل بسته شدن راه‌های منتهی به آن از سوی آذربایجان، ارمنستان از شورای امنیت سازمان ملل خواست تا جلسه‌ای اضطراری در این خصوص برگزار کند.

بر بنیاد گزارش اسوشیتد پرس، مهر مارگاریان، نماینده ارمنستان در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل که روز جمعه، ۱۱ اگست، توسط وزارت خارجه آن کشور منتشر شد، گفت که مردم قره‌باغ کوهستانی «در آستانه یک فاجعه انسانی تمام عیار» قرار دارند.

در این نامه آمده است: «دولت ارمنستان خواستار مداخله شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان نهاد اصلی مسوول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برای جلوگیری از جنایات جمعی از جمله جنایات جنگی، پاکسازی قومی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی است.»

درخواست ارمنستان پس از آن صورت می‌گیرد که دادستان ارشد پیشین دیوان کیفری بین‌المللی اواخر هفته گذشته هشدار داد که آذربایجان در حال

هشدار نیروهای دریایی غربی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز: از آب‌های ایران دور بمانید



شرکت اطلاعات خصوصی معروف به آمبری (Ambrey) وابسته به اتحادیه اروپا که بر عبور و مرور در تنگه هرمز نظارت دارد، درباره احتمال حمله به یک کشتی تجاری با پرچم ناشناخته در تنگه هرمز در ۱۲ تا ۷۲ ساعت آینده هشدار داده است.

نیروهای دریایی تحت حمایت غرب در خاورمیانه به کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز سفر می‌کنند، هشدار دادند تا حد امکان از آب‌های سرزمینی ایران دور بمانند.

بر بنیاد گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس، تیم هاوکینز، سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا مستقر در خاورمیانه روز شنبه، ۱۲ اگست، تایید کرد که این هشدار داده شده است، اما از ارایه جزئیات خودداری کرد.

به گفته او، یک گروه دریایی تحت حمایت ایالات متحده به‌نام «ساختار امنیت بین‌المللی دریایی» دریانوردان منطقه را از اقدامات احتیاطی مناسب برای به حداقل رساندن خطر تصرف بر اساس تنش‌های کنونی منطقه‌ای مطلع می‌کند.

هاوکینز تصریح کرد که ایران به‌دنبال تنش‌زدایی است و به کشتی‌ها توصیه می‌کند تا حد امکان از آب‌های سرزمینی ایرانی دور بمانند.

در همین حال، شرکت اطلاعات خصوصی معروف به آمبری (Ambrey) وابسته به اتحادیه اروپا که بر عبور و مرور در تنگه هرمز نظارت دارد، درباره احتمال حمله به یک کشتی تجاری با پرچم ناشناخته در تنگه هرمز در ۱۲ تا ۷۲ ساعت آینده هشدار داده است.

این شرکت گفته است که پیش از این نیز پس از صدور اخطار به مشابه یک کشتی تجاری از سوی مقامات ایرانی به بهانه واهی توقیف شده بود.

هشدار مشابهی در اوایل سال جاری و پیش از توقیف دو نفت‌کش توسط ایران در نزدیکی این تنگه که ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند، نیز به کشتی‌ران‌ها داده شده بود.

این هشدار در حالی انجام می‌شود که ایران و ایالات متحده به یک توافق نزدیک شده‌اند که میلیاردها دلار دارایی مسدود شده ایران در کوریای جنوبی را در ازای آزادی پنج ایرانی-امریکایی تبار بازداشت شده در تهران آزاد می‌شود.

با این حال این هشدار همچنان نشان می‌دهد که تنش‌ها در دریا بالا است.